

The Exploration of the Process of Urban Area Development From Four Perspectives: The Case Study of Qazvin Urban Area

Elham Abassi Verki^{1*}, Roqaye Godarzvand Chegini²

1. PhD Holder, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
2. MSc., Faculty of Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

(Received: July 2, 2022; Accepted: October 30, 2022)

Abstract

The purpose of this study was examining the course of development of Qazvin urban area in order to optimize the decisions of related authorities to enhance sustainable spatial efficiency and exploitation. Through a meta-analysis, four urban area perspectives were extracted, including natural-cultural, administrative-political, functional, and communicative. This was then followed by a theoretical conclusion. GIS spatial statistics were used for the analysis purposes. The results indicated the presence of only the physical and political perspective. The administrative-political perspective of urban area (as the only formal area) and functional urban area (only in an informal manner) were identified as the urban perspectives of Qazvin. The investigation of the natural-cultural perspective of Qazvin urban area led to the identification of southern Alborz area, which based on water resources approximately conforms to the political borders of Qazvin province. Due to its use as a crossroads, this area does not have cultural coherence, and its closeness to the political capital of Iran has made its environmental conditions critical and has changed the role of this area. To solve these problems, it is suggested that first an ecological planning is done as the basis of spatial planning and development decisions. Moreover, due to the cultural inconsistency of Qazvin area, it is suggested to adopt creation of identity through regional governance. Moreover, the economic areas resulting from functionally connected areas should be enhanced and directed in the light of the ecological conditions of the area. Although the application of neo-regionalism viewpoint at transnational level is not possible due to the specific political conditions of Iran, its application in regional and local levels seems to be unavoidable in order to reduce ecologic crisis (water resources) and enhance identity creation in Qazvin urban area.

Keywords

Natural-cultural urban region, basic and real den, administrative-political urban region, functional urban region, communication urban region new-regionalism.

* **Corresponding Author, Email:** e_abasi@sbu.ac.ir

واکاوی فرایند تکوین منطقه شهری: چهار چشم انداز (مورد مطالعه: منطقه شهری قزوین)

الهام عباسی ورکی^{۱*}، رقیه گودرزوند چگینی^۲

۱. دکتری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸)

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی سیر تکوین منطقه شهری قزوین به منظور بهینه کردن تصمیمات مسئولان برای ارتقای کارایی و بهره‌برداری پایدار فضایی بود. از نظر روش‌شناسی، به کمک فراتحلیل، چهار چشم‌انداز طبیعی-فرهنگی، اداری-سیاسی، عملکردی، و ارتباطی منطقه شهری استخراج و جمع‌بندی نظری شد. برای تجزیه و تحلیل نیز از آمار فضایی GIS استفاده شد. یافته‌ها حاکی از وجود نگرش صرفاً کالبدی و سیاسی بود. چشم‌انداز اداری-سیاسی منطقه شهری (تنها منطقه رسمی) و منطقه شهری عملکردی (به‌رغم وجود به صورت غیررسمی) به عنوان مناطق شهری شناسایی شده منطقه قزوین‌اند. در بررسی چشم‌انداز طبیعی-فرهنگی منطقه شهری قزوین، منطقه البرز جنوبی شناسایی شد. این منطقه به علت موقعیت چهارراهی از انسجام فرهنگی برخوردار نیست و مجاورت با مرکز سیاسی کشور باعث بحرانی شدن حیات زیستی آن و تغییر نقش منطقه شده است. نتایج نشان داد ابتدا باید برنامه ریزی اکولوژیک-محور به منزله مبنای تصمیمات برنامه‌ریزی و توسعه فضایی صورت گیرد و با توجه به عدم انسجام فرهنگی منطقه قزوین اقدام به هویت‌بخشی از طریق حکمروایی منطقه‌ای شود. سپس باید مناطق اقتصادی برآمده از مناطق هم‌پیوند عملکردی را با توجه به شرایط اکولوژیک منطقه تقویت و جهت‌دهی کرد. اگرچه کاربرد نگرش نومنته‌گرایی در سطح فراملی بنا بر شرایط خاص سیاسی ایران امکان‌پذیر نیست، کاربرد آن در سطح منطقه‌ای و محلی به منظور کاهش بحران اکولوژیک (منابع آب) و هویت‌بخشی به منطقه شهری قزوین امری اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌کند.

کلیدواژگان

کنام بنیادی و واقعی، منطقه شهری اداری-سیاسی، منطقه شهری ارتباطی، منطقه شهری طبیعی-فرهنگی، منطقه شهری عملکردی، نومنته‌گرایی.

* رایانامه نویسنده مسئول: e_abasi@sbu.ac.ir

مقدمه

مفهوم چشم‌انداز به معنای سازگار کردن فرایندهای طبیعی- فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی برای خلق یک قلمرو جدید است (Steiner 2011). ظهور چشم‌اندازهای متنوع مناطق شهری متأثر از تجدید ساختار فرایندها در تولید فضا بوده است؛ چنان که غلبه هر یک از فرایندها باعث تبلور چشم‌انداز خاصی می‌شود (Lefebvre 1974; Harvey 2000). مطالعه و شناخت منطقه شهری به طور رسمی بعد از دهه ۱۹۵۰ از کشورهای توسعه‌یافته، نظیر انگلستان و آمریکا، آغاز شد. طرح‌های منطقه شهری با هدف توجه به رشد و توسعه فضایی شهرها، به منظور ایجاد تعادل بین دو پارامتر جمعیت و فعالیت در فضا، مورد توجه قرار گرفتند (دادروان ۱۳۸۲: ۱۱). منطقه شهری طی تکوین خود چشم‌اندازهای متنوعی از فرم، فرایند، عملکرد، و جریان‌ها را درون خود تجربه کرده است که تبلور فضایی و بلوغ عملکردی خود را در شهر - منطقه‌ها یافته است (Davoodi & brook 2020; Ravetz 2020). در چنین زمینه‌ای، فرایندهای «فرهنگی»، «طبیعی»، «اقتصادی»، و «سیاسی» نه جدا و نه مغشوش اند؛ بلکه درون چشم‌اندازهای منطقه شهری در هم تنیده شده‌اند و با حفظ هویت تاریخی مستقل خود به منزله یک کل انسجام‌یافته در منطقه شهری نمود پیدا کرده‌اند.

در حال حاضر درک ماهیت حقیقی مناطق شهر - محور در ایران و همچنین التقاتی بودن الگوهای شهری - منطقه‌ای موضوعی است که در دو عرصه علمی و عملی برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای را به طور جدی با خود درگیر کرده است. در همین ارتباط بررسی سیر تکوین منطقه شهری می‌تواند نگرش درستی برای برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، و مدیران شهری و منطقه‌ای فراهم کند تا از شکل‌گیری و توسعه چشم‌اندازهای نابهنجار شهرها و مناطق کشور جلوگیری کنند.

در این میان منطقه شهری قزوین دارای موقعیت راهبردی در سطح کشور است. موقعیت جغرافیایی این منطقه با قرارگیری روی یکی از شبکه‌های اصلی و فعال ارتباطی و حمل‌ونقل کشور (محور ترانزیتی ایران - اروپا)، هم‌جواری با پایتخت سیاسی کشور، وجود خوشه‌های صنعتی، قابلیت‌های بالقوه کشاورزی، دسترسی به نیروی کار مناسب، و ... یکی از قطب‌های مهم و بارز زیست و فعالیت در کشور محسوب می‌شود (مهندسین مشاور آمایش و توسعه البرز ۱۳۸۷: ۳). لیکن در حال حاضر منطقه شهری قزوین دچار چالش‌هایی چون عدم تعادل در توزیع

جمعیت و فعالیت (عباسی و همکاران ۱۳۹۷ الف و ب؛ بابایی و همکاران ۱۳۹۵: ۴۳؛ پوراحمد و همکاران ۱۳۹۴: ۵۹؛ اینانلو ۱۳۹۰: ۲۶؛ شورمیچ و بدری فر ۱۳۸۵: ۴۰)، نابرابری‌های فضایی، گسیختگی و اتلاف فضا، فشار به ظرفیت عرصه‌های اکولوژیکی محدود، و عدم توجه به هم‌پیوندی و مرزبندی‌های عملکردی و به‌تبع آن مغفول ماندن شبکه جریان‌ها در سازمان فضایی موجود است که این وضعیت ناپایداری توسعه و عدم کارایی بهره‌برداری از فضا در پهنه منطقه‌ای قزوین را موجب شده است.

اهداف و سؤالات پژوهش

شناخت فرایند تکوین منطقه شهری و واکاوی آن بر اساس چهار چشم‌انداز موضوع کلیدی این پژوهش است. در ادامه، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که با توجه به ویژگی‌ها و مؤلفه‌های هر چشم‌انداز منطقه شهری آیا منطقه شهری قزوین از این سیر تکوین تبعیت می‌کند؟ تا کنون منطقه شهری قزوین کدام‌یک از چشم‌اندازها را به خود دیده است؟

پیشینه پژوهش

در فرایند تکوین منطقه شهری به مناطق گرهی-ارتباطی الگوی فضایی شهر-منطقه حائز اهمیت است. این الگو به نحو مؤثری بستر مطلوبی برای تحلیل پدیده‌ها در مقیاس مناطق به شمار می‌آید (Turok 2009) و در این ارتباط الگوی فضایی شهر-منطقه که پیش از این به مثابه برآیندی از عمیق‌ترین فرایندهای اقتصادی-سیاسی تلقی می‌شد، در آغاز قرن بیست‌ویکم، به منزله مطلوب‌ترین واحد برنامه‌ریزی فضایی و تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌های فضایی به شمار رفت (Wren 2009). پار^۱ در پژوهشی با عنوان «چشم‌اندازهای شهر-منطقه» در سال ۲۰۰۵، شکل شهر-منطقه را با در نظر گرفتن ساختار منطقه‌ای و تعامل بین منطقه‌ای آن بررسی کرد. همچنین وی در سال ۲۰۱۵ پژوهشی با عنوان «شهر و منطقه به مانند تضاد در سازمان فضایی» انجام داد که هدف آن شناسایی تفاوت‌های مهم بین شهر و منطقه از نظر شیوه‌های سازماندهی فضایی از سه منظر بود: اول، مقایسه شهر منفرد و منطقه منفرد به منزله موجودیت‌های مستقل؛ دوم، در نظر گرفتن

شهر در رابطه با منطقه‌ای که در آن قرار دارد؛ سوم، توجه به سیستم شهرها در مقایسه با سیستم مناطق. داوودی^۱ و بروک (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان «تجسم شهر- منطقه و سیاست تغییر مقیاس» انجام دادند که با تکیه بر منطقه‌ای شدن شهر در انگلستان استدلال می‌کند تجسمی متمایز از شهر مناطق به منزله فضاهای اقتصادی و شهرمحور از طریق دو شکل عادی شده است: یکی منطقی کردن موقعیت مقیاسی این تجسم و دیگری تعیین مرزهای فضایی آن. دیکسون و همکارانش (۲۰۲۰) پژوهشی با نام «تجسم مجدد آینده: آینده‌نگری و چشم‌انداز شهر- منطقه در عصر حکومت پراکنده» انجام دادند و در آن مفهوم چگونگی تکامل منطقه شهری را بررسی کردند و سؤالاتی را برای نقش آینده شهری، از جمله چشم‌انداز و آینده‌نگری، مطرح کردند. راوتز^۲ (۲۰۲۰) کتابی با عنوان شهر- منطقه ۲۰۲۰: برنامه‌ریزی یکپارچه برای محیط زیست پایدار نوشت و در آن به تحلیل شهر- منطقه منچستر پرداخت و چشم‌اندازی از آینده شهری پایدار را از طریق مدیریت استراتژیک یکپارچه کل شهر- منطقه ارائه کرد. در جدول ۱ مطالعات داخلی در حوزه منطقه و شهر- منطقه گردآوری شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش‌های داخلی

عنوان	نویسنده	سال	روش	نتایج
شهر- منطقه به مثابه بسط بافته شهری	دلیل و همکاران	۱۳۹۸		این نوع خواش از شهر- منطقه به دنبال ارائه توضیحی درباره گسستگی و تکه‌تکه شدن شهر و کشیده شدن شهر به اطراف در دوران اخیر سرمایه‌داری است و آن را در ابعاد نهادی و ساختاری و سوژگی آن می‌رساند.
تعیین محدوده فضایی شهر- منطقه برای کلان‌شهر تهران و نواحی پیرامونش	شریف‌زادگانو فتحی فرزانه	۱۳۹۵	تحلیل تطبیقی	کلان‌شهر تهران و نواحی اطرافش نشان‌دهنده ردپای عملکردی کلان‌شهری تهران برآمده از جریان‌های روزانه و هفتگی مبتنی بر منطق فضایی فراتر از تقسیم‌بندی‌ها و محدودیت‌های کالبدی، سیاسی، و اداری است.
ماهیت فضایی سرزمین‌های شهرمحور در برنامه‌ریزی منطقه‌ای؛ چهار پدیده فضایی با نگاهی بر کلان‌شهر تهران	موسوی و فتحی فرزانه	۱۳۹۵	تحلیل تطبیقی	سه مفهوم منطقه کلان‌شهری، شهر- منطقه، و منطقه شهری عملکردی در مقیاس‌های گوناگونی از فضا برای نواحی اطراف کلان‌شهر تهران، به مثابه مفاهیم قابل قبول، تعریف‌پذیر و بهینه‌سازی می‌شوند.

1. Davoudi

2. Ravetz

مبانی نظری

از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰ متفکرانی (هاوارد^۱، ابرکرامبی^۲، گدس^۳) که درک بیشتری از الگوهای فضایی شهر محور داشتند به تدریج دریافتند برنامه‌ریزی شهری مؤثر برنامه‌ریزی در مقیاس بزرگ‌تر از مقیاس شهری است - یعنی مقیاس شهر و محیط روستایی پیرامون آن یا حتی مقیاس چندین شهر که دسته‌ای از شهرهای هم‌پیوند و محیط روستایی بین آن‌ها را تشکیل می‌دهد (Hall 2005: 55). و مفهوم منطقه که پیش از این برآیندی از عمیق‌ترین فرایندهای اقتصادی - سیاسی تلقی می‌شد (Wren 2009) شکل‌ها و نقش‌های متنوعی به خود گرفته است و در دوره‌های مختلف مرکز برنامه‌ریزی‌های مختلف بوده است. در این ارتباط جدول فراتحلیل نظریه‌پردازان برجسته در حوزه پارادایم فضایی در جغرافیا ارائه شده است. بر این اساس از لحاظ تاریخی منطقه شهری چهار چشم‌انداز را به خود دیده است (جدول ۲).

جدول ۲. فراتحلیل نظریه‌پردازان

چشم‌انداز	مفهوم	نظریه	نظریه‌پردازان
پایین - فیزیکی و تاریخی	غلبه محیط بر انسان تعامل انسان و محیط غلبه انسان بر محیط و به خطر افتادن محیط زیست	موج اول جبر محیطی موج دوم اکولوژی فرهنگی موج سوم توسعه پایدار	داروین و راتزل (۱۸۸۲)؛ هاکل (۱۸۷۹)؛ کهل (۱۸۴۱) باستیه (۱۹۸۰)؛ ژورژ (۱۹۵۲) گدس (۱۹۲۰)؛ مامفورد (۱۹۳۸)؛ باروز (۱۹۲۳)؛ ساور (۱۹۲۸) استرانگ (۱۹۷۰)؛ دیلی (۱۹۸۹، ۱۹۹۳، ۱۹۷۳)؛ فریمن و کول (۱۹۷۳)
اداری - سیاسی	نگرش سنتی مدیریتی (بالا به پایین) چیرگی بر تفرق سیاسی (یکپارچه‌سازی) نگرش پایین به بالا (افقی)	موج اول توسعه فیزیکی و تمرکززدایی از شهرهای بزرگ موج دوم منطقه‌گرایی (دهه ۱۹۵۰ - ۱۹۶۰)	هنتن (۲۰۰۱)؛ بارلو (۱۹۹۱)؛ ساویج (۲۰۰۰)

1. Howard
2. Abercrombie
3. Geddes

ادامه جدول ۲. فراتحلیل نظریه پردازان

چشم انداز	مفهوم	نظریه	نظریه پردازان
مملکتی	سلسله مراتب مرکز پیرامون تأکید بر بخش های اقتصادی کشاورزی، صنعت، و خدمات	نظریه مکان کشاورزی مکان مرکزی صنعتی نظریه مکان مرکزی نظریه مکان عمومی رویکرد سیستمی (نظام وار)	تونن (۱۸۲۹) وبر (۱۹۰۹) کریستالر (۱۹۳۳) لوش (۱۹۴۴) چورلی (۱۹۶۲)
ارتباطی	جهانی شدن در همه ابعاد انقلاب IT نگرش مشارکتی	شبکه منطقه ای موج سوم نومنطقه گرایی (دهه ۱۹۷۰ تا کنون) منطقه بندی های روزانه فضای جریان ها تعاملات هم افزایی در ساختار شبکه نقاط کانونی در نظام شبکه ای رفتار مشارکتی در نظام شبکه ای سلسله مراتب در ساختار شبکه ای سیستم های دوگانه در ساختار شبکه ای نظریه مشارکتی نظریه ارتباطی شهر- منطقه گرایی	فریدمن و داگلاس (۱۹۲۶) ورلن (۲۰۰۷) کاستلز (۱۹۸۹) بتن (۱۹۹۵) لسجر (۲۰۰۶) کاپلو (۲۰۰۰)؛ فروستر (۲۰۰۱) کاماگنی و سالن (۱۹۹۳) تیلور و همکاران (۲۰۱۰) دیکسون و همکاران (۲۰۲۰)

چشم انداز طبیعی- فرهنگی

نخستین چشم انداز منطقه شهری پیوند عمیقی با واقعیت های جغرافیایی و فرهنگی سرزمین ها دارد. این چشم انداز با نگرش های جبر محیطی، اکولوژی فرهنگی، و توسعه پایدار هم خوان است. اصول بنیادین و سازنده این چشم انداز موقع و مقر، انسان، و روابط اکولوژیکی میان آنهاست که در نهایت تعادل و پایداری است. این چشم انداز از دو جنبه اهمیت دارد: جنبه اول تولد شهر در بستر طبیعی خود (هویت مستقل تاریخی) یا به عبارتی نقش تاریخی طبیعت در شکل گیری سکونتگاه هاست که از نگرش جغرافیای شهری سنتی و مفاهیمی چون موقع و مقر (Bastie 1980;

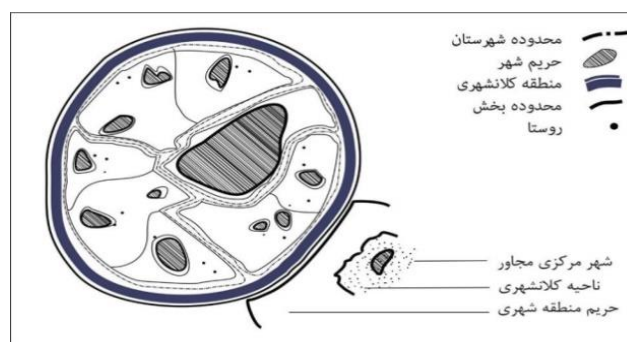
(George 1952)، آب‌وهوا (Huntington 1915)، وسعت، شکل، کارکرد، و مورفولوژی بهره گرفته است (شکویی ۱۳۸۹)؛ جنبه دوم ضرورت توجه به بعد زیست‌محیطی در حفظ حیات و بقای سکونتگاه‌های انسانی در مقطع کنونی است. مرحله گذار از جبر محیطی به توسعه پایدار به وسیله رویکرد اکولوژی فرهنگی با مفهوم تعامل انسان و محیط با چربش نقش انسان نویددهنده اندیشه حریصانه رشد نامحدود در جان محیط بوده است. ادامه این روند به ارائه نظریه توسعه پایدار در اواخر قرن بیستم، با هدف حفظ محیط زیست، منجر شد. از این رو بازگشت به آرمان‌شهرهای اکولوژیک-محور با اصلاحاتی چون شهر سبز^۱، بوم‌شهر^۲، نوشهرگرایی^۳، و ... با ابعاد محلی بر پایه عدالت اجتماعی، مساوات سیاسی، و منطق اکولوژیکی همراه است (Harvey 2000). در ایران سند کالبدی ملی با حفظ مرزهای سیاسی هر استان، تأکید بر اصل مجاورت فیزیکی مراکز (نه عملکردی)، وجود همگونی طبیعی (جزء یک حوضه آبخیز باشند) و فرهنگی، وجود تعادل مساحت و جمعیت هر یک از مناطق کلان ایران را به ده منطقه کلان طبیعی تقسیم کرده است؛ مانند منطقه طبیعی البرز جنوبی که شامل نقاط شهری سمنان، تهران، قزوین، قم، و زنجان است (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران ۱۳۷۸).

چشم‌انداز منطقه شهری سیاسی-اداری

چشم‌انداز سیاسی-اداری از زمان شکل‌گیری شهرهای قدیمی تا امروز با اشکال مختلف مورد توجه قرار گرفته است. در این چشم‌انداز مناطق شهری تجلی و تبلور نابرابری در روابط قدرت است. نظام سیاسی مناطق شهری از طریق ساختار و نهادهای مدیریتی برای رشد و توسعه آنها اقدام به برنامه‌ریزی می‌کند. شاید ابتدایی‌ترین تلاش‌های ساختار سیاسی-مدیریتی برای فرموله کردن روابط فراتر از شهر ساخته‌شده در اواخر قرن ۱۹ بود. هنگامی که رشد سریع شهرهای امریکا موجب به چالش کشیدن مرزها و مفاهیم قدیمی شهر شد (Neuman 2009; Parr 2015,) (2007; Ache 2000; Healey 2009) در همان ابتدا با چالش جدی تفرق سیاسی همراه بود. به منظور

-
1. green city
 2. eco-city
 3. new urbanism

چیرگی بر تفرق سیاسی از دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰ پارادایم یکپارچه‌سازی^۱ با عنوان منطقه‌گرایی^۲ مطرح شد. دوره بعد از دهه ۱۹۸۰ که به دوره منطقه‌گرایی نوین^۳ معروف است با ایجاد سازوکارهای همکاری منطقه‌ای بین بخش خصوصی و عمومی و در شراکتی متنوع با بخش تجارت، حکومت، و گروه‌های اجتماعات محلی باعث تکامل این چشم‌انداز شد (Heton 2001; Miller 2002; Barlow 1991; Savitch & Vogel 2002a, 2002b). فرایند یادشده در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی مطرح شده است. اما در کشورهایی با اقتصاد سیاسی رانتی، مانند ایران، با جبر مدیریتی (نگرش بالا به پایین) و نادیده گرفتن پیوندهای عملکردی و علایق منطقه‌ای به خود رسمیت می‌دهد و به صورت تفرق سیاسی نمود پیدا می‌کند. از این منظر مدیریت شهری به منزله یک سطح مستقل از دولت شناخته شده نیست. سنت‌های دیرین و تمرکز درآمدهای سرشار نفتی در دست دولت مرکزی موجب تسلط بخش دولتی در همه حوزه‌های اصلی جامعه (اقتصادی، اجتماعی، اداری، سیاسی، فرهنگی) شده و اداره محلی شهرها را نیز بر اساس رویکرد و بینش «حاکمیت شهری» از بالا بنا نهاده و فرمان‌های دولتی در فقدان «حکمرانی شهری» و نگرش‌های شهروندمدار فضای مدیریتی شهرها را تحت کنترل دولتی درآورده و با تضعیف حوزه عمومی ابتکارات و بسیج منابع محلی را کاهش داده است (صرافی و عظیمی ۱۳۸۹: ۱۰). در واقع تقسیمات استان، شهرستان، بخش، دهستان، شهر، و روستا برآیند چنین نگرشی است (شکل ۱).

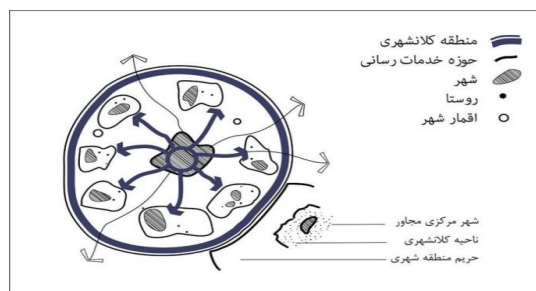


شکل ۱. منطقه شهری سیاسی-اداری (مأخذ: نویسندگان)

1. consolidation
2. regionalism
3. new regionalism

چشم‌انداز منطقه شهری عملکردی^۱

منطقه شهری عملکردی برآمده از فرایند اقتصادی صنعت-محور و مشخصه اصلی کشورهای صنعتی در قرن بیستم است (Bourdeau-Lepage 2002) که در نتیجه آن منجر به تمرکز فعالیت‌ها، جمعیت، عملکردها، و قطبی شدن فضایی شده است (زبردست ۱۳۸۴، نقل از Gaussier et al. 2003, 253). ماهیت عملکردی این چشم‌انداز از تلاقی سه نگرش مهم در نظریه‌های مکانی^۲ مفهوم می‌یابد. این نظریه‌ها مدل اقتصاد زمین ون تونن^۳ (آثار مرکز بر پیرامون) و همچنین چارچوب پیشنهادی کریستالر و لوش^۴ (آثار پیرامون بر مرکز) برای مکان‌های مرکزی است (van den Berg et al. 1982; Cheshire & Hay 1989; Hall & Hay 1980; Klaassen et al. 1981). برآیند این سه نظریه ناحیه اقتصادی عملکردی در اروپای غربی است؛ گرچه بعدها این مفهوم در اروپا به منطقه شهری عملکردی تغییر نام داد. در مطالعه‌ای از مناطق شهری شش کشور اروپایی، که بروئل (۲۰۰۲) انجام داد، آن محدوده یا شهرداری جزء منطقه شهری عملکردی محسوب شده است که حداقل ۱۰ درصد نیروی شاغل آن برای کار به شهر یا کلان‌شهر مرکزی سفر می‌کنند. محاسبه بر این مبنا گستره این هویت فضایی جدید را بسیار وسیع می‌سازد (Organization for Economic Co-operation and Development 2012). ارزش نظری واقعی این مفهوم در توانایی آن برای برجسته ساختن پیوندهای بین ناحیه شهری ساخته‌شده و قلمرو پیرامونی است (Parr 2007: 383). تعیین قلمرو منطقه شهری عملکردی بر حسب سفرهای آونگی بین نواحی مسکونی و مکان‌های مرکزی صورت می‌گیرد (Hutchinson 2009: 510).



شکل ۲. منطقه شهری عملکردی (مأخذ: نویسندگان)

1. functional urban region
2. location theory
3. Land-economics model of Von Thunen
4. Framework proposed by Christaller and Losch

چشم‌انداز منطقه شهری ارتباطی^۱ (شهر- منطقه)

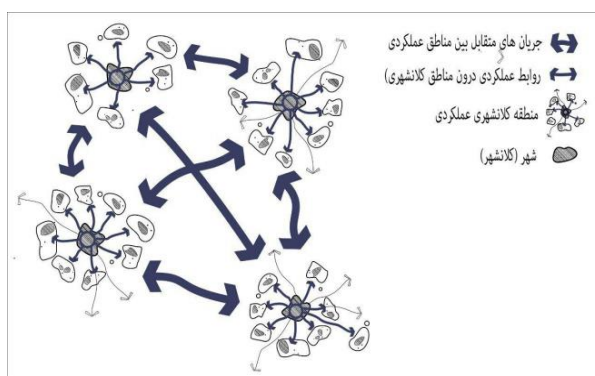
رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی از دهه ۱۹۹۰ به منزله رویکرد غالب در فضای برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به شمار می‌آید (Pose 2008). نظریه کنش ارتباطی هابر ماس چارچوب الهام‌بخش دو نظریه شد: الف) نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی^۲ که صورت‌بندی اولیه آن را جان فورستر در سال ۱۹۸۹ در کتاب *برنامه‌ریزی در مواجهه با قدرت*^۳ ارائه کرد و در آثار بعدی وی تکامل یافت (Forester 1989) و ب) نظریه برنامه‌ریزی مبتنی بر همکاری^۴ که صورت‌بندی آن را پتسی هیلی در سال ۱۹۹۷ در کتابی به همان نام ارائه کرد. از این رو نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی با طرح شبکه جریان‌ها در سطوح مختلف محلی تا جهانی (Castano 2000: 242-238) نویددهنده مفاهیمی چون مرگ فواصل^۵، پایان جغرافیا^۶، و اقتصاد بی‌وزن^۷ است (Pose 2008) یا آنچه مانوئل کاستلز^۸ فضای جریان‌ها^۹ (جریان مردم، اطلاعات، کالاها) نامید (Hall 2009). از سوی دیگر نظریه برنامه‌ریزی مبتنی بر تشریک مساعی هیلی در پی آن است که با فاصله گرفتن از نگرش‌های خردگرایانه و فردباورانه دهه‌های پیشین به سوی نگرش‌های اجتماع-محور حرکت کند که عبارت است از فرایندهای پایین به بالا با تأکید بر مقیاس محلی در برنامه‌ریزی (عبدی و دانش‌پور ۱۳۸۸: ۴۴۶).

بنابراین منطقه شهری ارتباطی به شبکه‌ای از ارتباطات درهم‌تنیده افقی و عمودی اطلاق می‌شود که مرزهای به‌شدت مبهم و متغیری دارد و حاصل تجدید ساختار سیاسی-اقتصادی است (Amin & Thrift 2002; Amin 2002; Massey 2005; Graham & Healey 1999; Macleod & Jones Healey 2004, 2007, 2009; Marston & Jones 2005). از این رو در فرایند تکامل منطقه شهری به مناطق گرهی، در قالب شهر-منطقه‌ها، پیدایش مفهوم نومنطقه‌گرایی^{۱۰} حائز اهمیت است. نومنطقه‌گرایی با ایجاد سازوکارهای همکاری منطقه‌ای میان همه بازیگران و ذی‌نفعان محلی

1. relational urban region
2. communicative theory of planning
3. *Planning in the Face of Power*
4. collaborative planning theory
5. death of distance
6. end of geography
7. weightless economy
8. Manuel Castells
9. space of flows
10. neo-regionalism

باعث هم‌افزایی^۱ و بسیج منابع محلی می‌شود (Meijers 2007: 1; Reggiani & Rietveld 2010: 319; Batten 1995: 247); به نحوی که بستر مناسبی برای حکمروایی مطلوب پدیده‌های فضایی در مقیاس مناطق به شمار می‌آید (Turok 2009).

با توجه به تعریف و ویژگی‌های چهار چشم‌انداز در مباحث جهانی شهری و منطقه‌ای مؤلفه‌های درج‌شده در جدول ۳ فصل ممیز انواع مناطق شهری است.



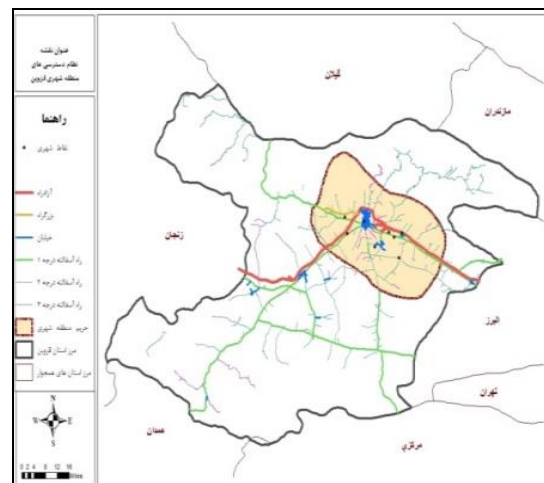
شکل ۳. منطقه شهری ارتباطی (مأخذ: نویسندگان)

جدول ۳. مؤلفه‌های تکوینی چشم‌اندازهای منطقه شهری

چشم‌انداز	مفاهیم	الگوی فضایی کاندید	شاخص‌های سنجش
چشم‌انداز طبیعی- فرهنگی	موقع و مقر، انسان، تعاملات بین انسان و محیط، انسجام فرهنگی	منطقه اکولوژیک‌محور	تحلیل‌های اکولوژیکی هویت منطقه‌ای
چشم‌انداز سیاسی- اداری	سلسله‌مراتب مدیریتی	استان	تحلیل ساختاری- نهادی
چشم‌انداز عملکردی	ردپای اقتصادی شهرها	منطقه شهری عملکردی	الگوی جریان سفر روزانه، جریان کالا
چشم‌انداز ارتباطی	فضای جریان‌ها، حکمروایی منطقه‌ای، نومنطقه‌گرایی	شهر- منطقه	بسیج منابع محلی، رقابت‌پذیری، نظام شبکه‌ای

محدوده و قلمرو مورد مطالعه

با توجه به اینکه منطقه شهری در عرصه سیاست و عمل مقیاس مشخص و مستقیمی ندارد در ادامه بر اساس جریان‌های آونگی روزانه سفر و کالا اقدام به واکاوی مرز منطقه شهری قزوین شد. یادآور می‌شود اطلاعات تعاملی سفر روزانه و کالا منطبق بر مرزهای سیاسی استان ملاک عمل بوده است. همان‌طور که شکل ۴ نشان می‌دهد قلمرو منطقه شهری قزوین منطبق بر سه شهرستان قزوین و البرز و آبیک و مرکزیت منطقه شهری با شهر قزوین (مرکز استان) است و نقاط شهری الوند، محمدیه، اقبالیه، بیدستان، شریفیه، و محمودآباد پیرامون آن قرار دارند. کشیدگی قلمروهای این محدوده به سمت تهران کاملاً مشهود است که از ارتباطات و تمایل توسعه در این سمت حکایت دارد. به لحاظ دسترسی، منطقه شهری قزوین با قرارگیری بر کریدور ترانزیتی تهران- تبریز بهترین دسترسی را در سطح استان داراست که موجب تقویت مرکزیت این محدوده شده است. یادآور می‌شود با بررسی قلمرو فضایی اسناد فرادستی استان قزوین مشخص شد محدوده شناسایی شده در پژوهش حاضر منطبق بر مرزهای مجموعه شهری قزوین است که از این حیث قابل توجه است.



شکل ۴. محدوده منطقه شهری قزوین (مأخذ: عباسی و همکاران ۱۳۹۷)

روش و ابزار تحقیق

در پژوهش حاضر در بخش مبانی نظری از روش تحلیل داده‌های ثانویه (اسنادی) استفاده شد. در بخش شناخت و تحلیل وضعیت موجود منطقه شهری قزوین، روش تحلیل داده‌های ثانویه و روش پیمایشی به طور هم‌زمان به کار رفت. با توجه به ماهیت، پژوهش حاضر بنیادی-کاربردی است و در دو سطح تحلیلی و توسعه‌ای به بررسی سیر تکوین منطقه شهری و چهار چشم‌انداز مبتنی بر آن پرداخته است. همچنین در بررسی چشم‌اندازهای منطقه شهری فراتحلیلی از متون مرتبط با علم اکولوژی، فلسفه‌های محیطی، و مکاتب جغرافیایی صورت گرفت. سپس به تشریح هر یک از چشم‌اندازها پرداخته شد. نحوه گردآوری اطلاعات به صورت پیمایشی و نیز مطالعه کتابخانه‌ای اسناد و مدارک بود. برای تجزیه و تحلیل از آمار فضایی در نرم‌افزار Gis استفاده شد. در نهایت برای تبیین منطقه شهری از روش تحقیق مطالعه موردی استفاده شد که زیرمجموعه روش‌های کیفی است (کرسول ۱۳۹۱: ۱۰۷). منطقه شهری قزوین به منزله مطالعه موردی در نظر گرفته شد. خروجی تحلیل‌ها به صورت نقشه در نرم‌افزار Gis ارائه می‌شود.

جدول ۴. مؤلفه‌ها، شاخص‌ها، و روش‌های آماری به‌کاررفته در پژوهش

چشم‌انداز	شاخص	سنجه‌های تحلیل	داده‌ها
چشم‌انداز طبیعی-فرهنگی	تحلیل میدان اکولوژیکی	کنام بنیادی	منطقه‌بندی‌های طبیعی
چشم‌انداز سیاسی-اداری	سطوح مدیریتی	کنام واقعی	منابع آب زیرزمینی و آب سطحی
چشم‌انداز عملکردی	نواحی بازار کار مشترک	موقع و مقر	ویژگی‌های طبیعی
چشم‌انداز سیاسی-اداری	سطوح مدیریتی	نظام تقسیمات سیاسی	بررسی ساختار نهادی-مدیریتی
چشم‌انداز عملکردی	نواحی بازار کار مشترک	جریان‌های آونگی	تنوع وسایل حمل‌ونقل عمومی
چشم‌انداز ارتباطی	فضای جریان‌ها	جریان سرمایه،	داده‌های سرمایه و اطلاعات
چشم‌انداز ارتباطی	وجود روابط شبکه‌ای	اطلاعات	داده‌های سرمایه و اطلاعات
چشم‌انداز ارتباطی	رقابت پذیری	نومنتقه‌ها	داده‌های سرمایه و اطلاعات

یافته‌های تحقیق

بررسی چشم‌انداز طبیعی- فرهنگی منطقه شهری قزوین

بر اساس مبانی نظری این چشم‌انداز، سه مؤلفه موقع و مقر، انسان، و تعاملات شناسایی شد. موقع و مقر منطقه شهری قزوین از مناطق جغرافیایی نامتجانس چهارراهی است؛ بدین معنا که این منطقه مرز برخورد سلسله جبال البرز با دشت قزوین است و با قرارگیری بر مسیر اصلی جاده ابریشم و مجاورت با پایتخت سیاسی کشور مزیت ویژه‌ای به خود گرفته است. به علت مقر نامتجانس تنوع حیات اقتصادی در این منطقه همیشه یک عامل جذب جمعیت از مناطق با فرهنگ‌های مختلف بوده است. این فرایند طی قرن گذشته با پایتخت شدن تهران و شکل‌گیری اولین شهر صنعتی ایران (شهر صنعتی البرز) شدت بیشتری به خود گرفته است؛ طوری که منطقه شهری قزوین مملو از جمعیتی با ساختار فرهنگی ناهمگون و نامنسجم از قومیت‌های مختلف (ترک، کرد، لر، گیلکی، و ...) است.

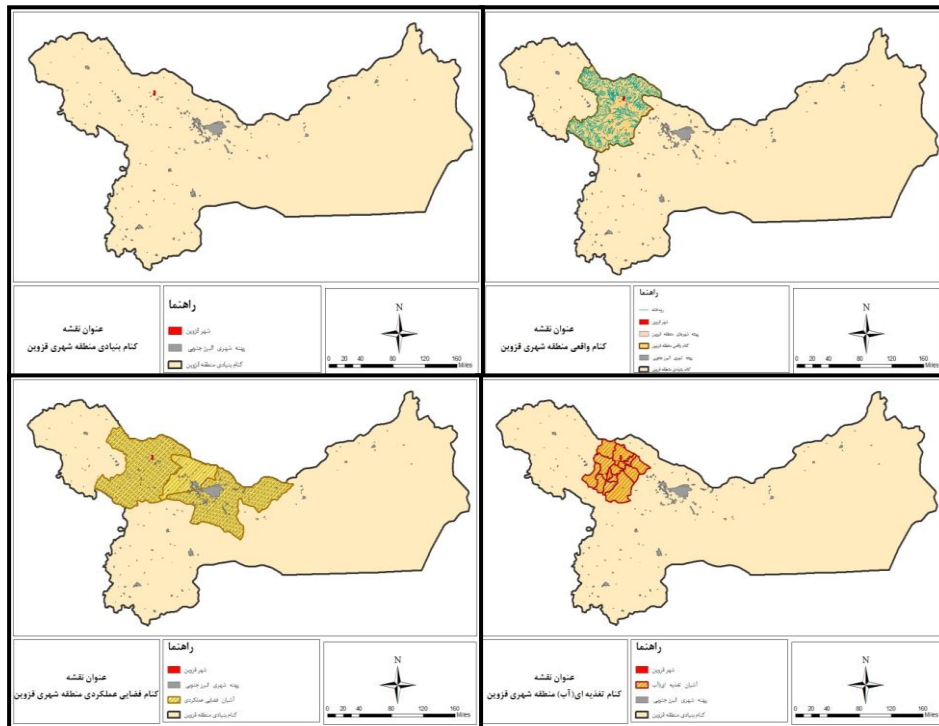
با توجه به واقع شدن منطقه شهری قزوین در دامنه جنوبی رشته کوه‌های البرز، کنام بنیادی این منطقه محدوده طبیعی البرز جنوبی در نظر گرفته شد. همچنین برای تعیین محدوده کنام واقعی از سه شاخص کنام زیستی یا طبیعی، کنام تغذیه‌ای، و کنام فضایی- عملکردی استفاده شد.^۱ نقش برابر کارکرد، زیستگاه برابر موقع و مقر، و تعاملات موجود زنده برابر تعاملات انسان با محیط است. کنام شامل کنام بنیادی^۲ (یک منطقه طبیعی گسترده که امکان زیست برای شهرهای متعدد را فراهم می‌کند) و کنام واقعی^۳ (محدوده شهر ساخته شده) است.

۱. این ارتباط مفهوم میدان اکولوژی^۱ و کنام^۱ یا آشیان در علم اکولوژی نزدیک‌ترین مفهوم برای توصیف این بعد از چشم‌انداز طبیعی- فرهنگی است. کنام در علم اکولوژی به معنای نقش و زیستگاه^۱ و تعاملاتی است که موجود زنده در یک اکوسیستم دارد (Odum 1913, 1983; Elton 1927; Grinnell 1917-1928). برای تعیین قلمرو دقیق کنام هر شهر مفهوم میدان اکولوژیکی به کار گرفته می‌شود. سه جنبه مختلف میدان اکولوژیکی شامل آشیان فضایی (آشیان بستر زیستی)، آشیان تغذیه‌ای (نیازهای حیاتی موجود زنده)، آشیان چندبعدی (فضاهای تعاملاتی) است (Hutchinson 1957; Battail 1997; Brillouin 2004).

2. fundamental niche

3. realized niche

چنین استنباط می‌شود که میدان اکولوژیکی یک شهر را از لحاظ نیازهای حیاتی و کارکرد و تعاملات با شهرهای دیگر مورد بررسی قرار می‌دهد.



شکل ۵. کنام بنیادی، واقعی، عملکردی، و تغذیه‌ای منطقه شهری قزوین

با بررسی فاکتور طبیعی، مانند آب، کنام واقعی منطقه شهری قزوین تقریباً منطبق بر مرزهای سیاسی استان است. کنام فضایی- عملکردی بر اساس جریان آونگی کار بین محدوده قزوین و تهران شناسایی شد. کنام تغذیه‌ای آب بر اساس نقاط حفر چاه است که بر بخش داخلی منطقه شهری متمرکز است (شکل ۵).

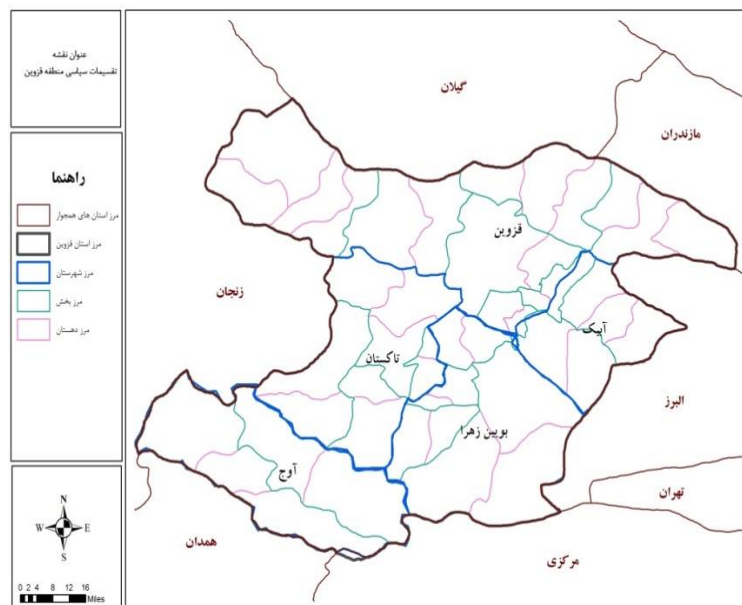
بررسی چشم‌انداز اداری- سیاسی منطقه شهری قزوین

همان‌طور که در چشم‌انداز طبیعی- فرهنگی اشاره شد منطقه قزوین از دیرباز دارای ویژگی‌های اجتماعی، جغرافیایی، و سیاسی خاصی بوده که آن را از سایر نواحی هم‌جوار متمایز می‌ساخته و

در عین حال همواره مورد توجه حکومت‌ها بوده است. از این جهت پرتغییرترین تقسیمات سیاسی را میان دیگر استان‌ها داشته و تا دستیابی به موقعیت استانی بارها در استان‌های گوناگون جابه‌جا شده است. همان‌طور که در جدول ۵ دیده می‌شود منطقه شهری قزوین متشکل از شش شهرستان قزوین، تاکستان، بویین‌زهرا، آبیک، آوج، و البرز است. این محدوده‌ها به صورت جداگانه و فارغ از پیوندهای عملکردی در هر یک از این شش شهرستان اداره می‌شود.

جدول ۵. تقسیمات کشوری و ویژگی‌های جمعیتی آن در محدوده استان قزوین (مأخذ: سالنامه آماری استان قزوین ۱۳۹۰)

شهرستان	تعداد نقاط شهری	جمعیت شهری	مساحت	درصد مساحت
قزوین	۷	۶۰۷۰۳۴	۵۶۸۹	۳۶,۴
تاکستان	۵	۱۰۶۴۵۲	۲۵۳۸	۱۶,۳
بویین‌زهرا	۷	۷۰۵۹۶۵	۵۶۹۴	۳۶,۶
آبیک	۲	۵۰۶۳۳	۱۳۰۲	۸,۳
البرز	۴	۱۴۷۸۲۰	۴۰۳	۲,۶



شکل ۶. منطقه‌بندی اداری-سیاسی

علاوه بر جابه‌جایی‌های استانی، در درون محدوده استانی نیز تغییراتی صورت گرفته است و به طور دائم تقسیمات سیاسی جزئی‌تر به تفکیک‌های شهرستانی و بخشی و دهستانی منجر شده و برخی روستاها را به شهر تبدیل کرده است. تغییر و تحول مرزبندی‌های سیاسی و تغییر عنوان آبادی‌ها به شهر شاید از عوامل مهم تحولات جمعیتی منطقه باشد؛ چنان که عمده شهرها در یکی دو دهه گذشته ایجاد شده‌اند (عباسی و همکاران ۱۳۹۷). بررسی تحولات تعداد شهرهای منطقه قزوین در مقاطع سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ نشان داد شهرهای استان از تعداد سه شهر در سال ۱۳۳۵ به تعداد ۲۵ شهر در سال ۱۳۹۰ افزایش پیدا کرده است که مؤید مطالب بیان‌شده است (جدول ۶).

جدول ۶. تحول در تعداد شهرهای استان قزوین از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
استان	۳	۳	۴	۶	۸	۱۱	۲۴	۲۵

از سوی دیگر، جدا از مقیاس استانی که پیش‌تر به آن اشاره شد، طرح‌هایی از قبیل کالبدی ملی (البرز جنوبی)، آمایش سرزمین، مجموعه شهری، عمران و توسعه حوزه نفوذ شهری، و ... با ماهیت برنامه‌ریزی فضایی - منطقه‌ای تهیه شده است. اما محدوده فضایی تعریف‌شده برای طرح‌های فوق در چارچوب تقسیمات داخل استانی بوده که بی‌توجه به ماهیت عملکردی مناطق صورت گرفته است. در واقع مقیاس فرااستانی به صورت چند استان هم‌جوار یا غیرهم‌جوار، که دارای پیوستگی عملکردی هستند، نادیده گرفته شده است. به نظر می‌رسد مدیریت فراتر از نظام تقسیمات سیاسی امری است که باعث کم‌توجهی به ماهیت عملکردی شده است.

بنابراین چشم‌انداز اداری - سیاسی حاکی از وجود قلمروهای متعدد حکومتی و مدیریتی و افزایش روزافزون آن در منطقه شهری قزوین است که در فقدان سازوکارهای هماهنگی و همکاری مانع از اتخاذ هر گونه تصمیم سیاستی یکپارچه (دو سطح درون استانی و برون‌استانی) برای منطقه شهری قزوین به منزله یک کل ارگانیک است.

بررسی چشم‌انداز منطقه شهری عملکردی قزوین

منطقه شهری عملکردی اشاره به بازار کار مشترک و یکپارچگی اقتصادی دارد. قلمرو این محدوده بر اساس جریان‌های آونگی شناسایی می‌شود. در این ارتباط داده‌های جریان آونگی از طریق پیمایش و همه‌شماری وسایل حمل‌ونقل عمومی در دو سطح درون‌استانی و برون‌استانی صورت گرفت و نتایج بر اساس فرمول‌های شماره ۱، ۲ و ۳ در جدول ۷ ارائه و نقشه محدوده عملکردی منطقه شهری قزوین تهیه شد.

۱. بیان‌گر تعداد جمعیت جابه‌جاشده بین دو شهر و نسبت آن به جمعیت شهر پیرامون $i_1 = \frac{C}{P}$

۲. بیان‌گر معکوس فاصله از شهر اصلی $i_3 = \frac{1}{D}$

۳. بیان‌گر نمره نهایی هر شهر $\frac{C}{P.D} = it$

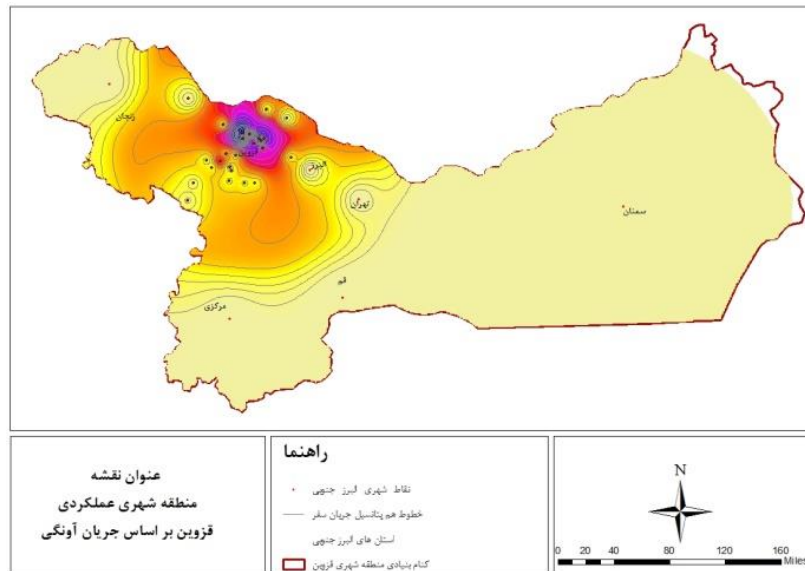
جدول ۷. تنوع وسیله سفر عمومی درون‌استانی و برون‌استانی

تعداد شهر شهر	فاصله (D)	جمعیت (P) ۱۳۹۰	جمعیت جابه‌جاشده (C)	$I_1 = \frac{C}{P}$	$I_3 = \frac{1}{D}$	I_T
کوهین	۴۵	۱۶۲۲	۶۶۴	۰/۴۰۹	۰/۰۲۲	۰/۰۰۹
رازمیان	۵۴	۱۱۶۴	۳۶۰	۰/۳۰۹	۰/۰۱۸	۰/۰۰۵
سیردان	۱۰۴	۱۰۳۸	۲۰۰	۰/۱۹۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱
شریفیه	۱۰	۲۱۰۰۹	۳۲۵۲	۰/۱۵۴	۰/۱	۰/۰۱۵
معلم‌کلايه	۸۵	۲۴۳۸	۳۵۲	۰/۱۴۴	۰/۰۱۱	۰/۰۰۱
اقبالیه	۷	۵۵۴۹۸	۶۹۷۸	۰/۱۲۵	۰/۱۴۲	۰/۰۱۷
خاک‌علی	۲۴	۳۳۵۲	۴۰۰	۰/۱۱۹	۰/۰۴۱	۰/۰۰۴
بیدستان	۱۰	۱۹۹۹۶	۲۳۰۴	۰/۱۱۵	۰/۱	۰/۰۱۱
محمدیه	۱۷	۴۸۸۶۲	۵۰۸۰	۰/۱۰۳	۰/۰۵۸	۰/۰۰۶
محمودآباد	۷	۲۱۷۹۶	۱۹۶۰	۰/۰۸۹	۰/۱۴۲	۰/۰۱۲
آبگرم	۸۳	۱۱۸۲۶	۱۰۰۸	۰/۰۸۵	۰/۰۱۲	۰/۰۰۱
الوند	۱۷	۸۸۷۱۱	۶۴۹۶	۰/۰۷۳	۰/۰۵۸	۰/۰۰۴
خرم‌دشت	۵۰	۶۷۲۵	۳۲۰	۰/۰۴۷	۰/۰۲	۰/۰۰۰۷
آبیک	۴۵	۵۵۷۷۹	۲۶۲۰	۰/۰۴۶	۰/۰۲۲	۰/۰۰۱
بویین‌زهرا	۵۰	۱۸۲۱۰	۸۰۰	۰/۰۴۳	۰/۰۲	۰/۰۰۰۸

ادامه جدول ۷. تنوع وسیله سفر عمومی درون‌استانی و برون‌استانی

تعداد شهر شهر	فاصله (D)	جمعیت (P) ۱۳۹۰	جمعیت جابه‌جاشده (C)	$I_1 = \frac{C}{P}$	$I_3 = \frac{1}{D}$	I_T
تاکستان	۳۵	۷۷۹۰۷	۳۰۲۰	۰/۰۳۸	۰/۰۲۸	۰/۰۰۱
آوج	۱۰۷	۵۶۰۹	۲۱۶	۰/۰۳۸	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰۳
نرجه	۲۰	۵۱۱۸	۱۹۲	۰/۰۳۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱
ضیاءآباد	۶۰	۸۶۳۷	۲۸۰	۰/۰۳۲	۰/۰۱۶	۰/۰۰۰۵
ارداق	۵۶	۵۱۲۳	۱۶۰	۰/۰۳۱	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰۵
سگزآباد	۵۵	۵۴۴۰	۱۶۰	۰/۰۲۹	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰۵
دانسفهان	۵۴	۹۵۴۵	۲۵۶	۰/۰۲۶	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰۴
شال	۵۱	۱۴۹۹۶	۲۸۰	۰/۰۱۸	۰/۰۱۹	۰/۰۰۰۳
اسفرورین	۶۲	۱۲۶۱۵	۱۲۰	۰/۰۰۹	۰/۰۱۶	۰/۰۰۰۱
تهران	۱۵۰	۸۱۵۴۰۵۱	۱۰۰۴۰	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۶	۳۴/۲۰۲۵
مازندران	۴۱۷	۲۹۶۴۱۷	۸۰	۰/۰۰۰۲۷	۰/۰۰۲	۶۷/۴۷۲۵۱
گیلان	۱۸۵	۵۵۱۱۶۱	۴۰۰	۰/۰۰۰۷۲۶	۰/۰۰۵	۲۹/۰۲۹۶۳
زنجان	۱۷۵	۳۸۶۸۵۱	۲۰۰	۰/۰۰۰۵۱۷	۰/۰۰۵	۲۰/۶۷۹۸
همدان	۲۴۴	۵۲۵۷۹۴	۴۰	۷/ ۶۱E-05	۰/۰۰۴	۴/۷۵۴۷۱۴
اراک	۳۰۳	۵۲۶۱۸۲	۸۰	۰/۰۰۰۱۵۲	۰/۰۰۳	۱۶/۸۹۳۱۸
قم	۲۸۲	۱۰۷۴۰۳۶	۸۰	۷/ ۴۵E-05	۰/۰۰۳	۸/۲۷۶۱۵۵
مشهد	۱۰۴۴	۲۷۴۹۳۷۴	۹۰	۳/۲۷E-05	۹/۵۷۸	۳/ ۵۷E-07

بر اساس پیمایش انجام شده در سطح برون‌استانی و درون‌استان، تهران تنها مقصدی است که از تنوع وسایل نقلیه عمومی برخوردار است و با بیشترین تنوع وسایل نقلیه عمومی (قطار، اتوبوس، تاکسی خط، شخصی، و سرویس‌های دانشجویی) بالاترین تعداد سفرهای روزانه را به خود اختصاص داده که بیانگر ارتباط قوی عملکردی بین تهران و قزوین است. استان‌های گیلان، همدان، قم، زنجان، مازندران، و مرکزی با فاصله چشم‌گیر از تهران در رتبه‌های بعدی قرار دارند. تحلیل جریان‌های درون‌استانی نشان داد الوند، محمدیه، بیدستان، شریفیه، اقبالیه، و محمودآباد بالاترین همبستگی عملکردی را با قزوین دارند. در قدم بعد شهرهای تاکستان، بوین‌زهرا، آبگرم، و آوج قرار دارند. باقی شهرها ارتباط ضعیف دارند.



شکل ۷. منطقه شهری عملکردی بر اساس جریان آونگی

چشم‌انداز ارتباطی منطقه شهری قزوین: شهر- منطقه

اگرچه به لحاظ ساختار فضایی^۱ منطقه شهری قزوین بی‌شابهت به یک شهر- منطقه نیست، به لحاظ عملکردی روابط فضایی، که برآیند فضای جریان‌ها در دو سطح محلی و فراملی به همراه روابط فراگیر متعدد است، ندارد. این امر در مدیریت فضایی ایران با توجه به شکل‌گیری روابط عملکردی در مناطق کلان‌شهری و قابلیت‌های ساختار نوین اقتصادی، خلأ نظام حکمروایی، و مدیریت یکپارچه به‌شدت احساس می‌شود. همچنین، با توجه به واقعیت‌های اقتصادی و محدودیت‌های ژئوپلیتیک که ایران با آن مواجه است، رقابت‌پذیری فرامنطقه‌ای و جهانی در مورد مناطق شهرمحور ایران به طور عام و منطقه شهری قزوین به طور خاص صدق نمی‌کند.

نتیجه و پیشنهاد

جمع‌بندی نظری چشم‌اندازها نشان داد هر یک از آن‌ها ضمن حفظ هویت تاریخی مستقل خود در برگیرنده بخشی از ماهیت منطقه شهری هستند؛ طوری که هیچ‌گونه انقطاع مفهومی، عملکردی،

۱. به لحاظ ساختار فضایی شهر- منطقه فضایی متشکل از دو قسمت هسته و سرزمین پیرامونی آن است.

کالبدی، و فرهنگی با هم ندارند، بلکه به لحاظ هویت وابسته به یکدیگرند و در پیوستاری کامل با یکدیگر به مثابه اجزای یک سیستم واحد و یکپارچه عمل می‌کنند.

با توجه به تحلیل یافته‌ها می‌توان اذعان کرد در ایران و به طور خاص در منطقه شهری قزوین نگرش صرفاً کالبدی و سیاسی حکم‌فرماست. در همین زمینه چشم‌انداز اداری-سیاسی منطقه شهری (تنها منطقه رسمی) و منطقه شهری عملکردی (به‌رغم وجود به صورت غیررسمی) به منزله مناطق شهری شناسایی شده در منطقه قزوین معرفی شده‌اند. با وجود جایگاه ویژه و مهم چشم‌انداز طبیعی-فرهنگی منطقه شهری، این چشم‌انداز مبدل به یک بحث رسانه‌ای و در عمل فراموش شده در نظام برنامه‌ریزی فضایی کشور و قزوین شده است. در مورد چشم‌انداز منطقه شهری عملکردی، منطقه شهری قزوین طی قرن گذشته به موازات پایتخت شدن تهران و مجاورت با این پدیده قرن درگیر روابط همکاری با کلان‌شهر تهران شده است. سفرهای آونگی روزانه تهران-کرج و قزوین به‌روشنی نشان داد محور مواصلاتی تهران-کرج و قزوین به منزله ناحیه بازار کار مشترک در قالب یک منطقه شهری عملکردی سه‌هسته‌ای غیررسمی در حال همکاری است.^۱ همچنین بررسی جریان سفر آونگی درون منطقه شهری قزوین نشان داد شهرهای پیرامون قزوین به ترتیب قوی‌ترین همبستگی عملکردی را دارند و در برخی موارد همچون مناطق تفریحی و گردشگری و تولیدات صنعتی شهر مرکزی به مناطق اطرافش وابسته است و تا حدی مراکز همکاری در تقسیم کار درون منطقه شهری ایجاد شده است. همان‌طور که در بخش مبانی و یافته‌ها بیان شد، با توجه به روابط نهادی-حکومتی منطقه شهری ارتباطی در قالب شهر-منطقه که بر پایه نومنطقه‌گرایی است و همچنین واقعیت‌های اقتصادی و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی که ایران با آن مواجه است، وجود چشم‌انداز چهارم، منطقه شهری ارتباطی، به دلیل عدم شکل‌گیری سطح فراملی و سطح محلی، این الگو در ایران دیده نمی‌شود و در مورد منطقه شهری قزوین صدق نمی‌کند.

۱. یادآور می‌شود از آنجا که بستر نهادی-قانونی شایسته و بایسته الگوی فضایی منطقه شهری عملکردی (چه منطقه شهری تک‌هسته‌ای چه منطقه شهری چندهسته‌ای) شکل نگرفته است این الگوی فضایی در ایران به صورت غیررسمی وجود دارد.



شکل ۸. فرایند تکوین چشم انداز منطقه شهری قزوین

پیشنهاد

پیشنهاد می شود همه برنامه ریزی های فضایی منطقه شهری قزوین منطبق بر رویکرد اکولوژیکی، به ویژه حوضه آبریز فوق بحرانی دریاچه نمک، صورت گیرد.

به منظور تمرکززدایی از منطقه شهری قزوین به سایر فضای استان پیشنهاد می شود توسعه زیرساخت های حمل و نقل عمومی با تأکید بر رویکرد TOD منطقه ای برای بخش های میانی و جنوبی استان انجام شود. شبکه حمل و نقل پیشنهادی به صورت شبکه ای جهت توزیع عادلانه فرصت ها در فضای استانی است.

پاشنه آشیل مقیاس منطقه شهری عملکردی در ایران به صورت عام و در قزوین به صورت خاص فقدان بسترهای نهادی - قانونی شایسته و بایسته برای هدایت این الگوی فضایی و کاهش چالش ها و بهره برداری از فرصت های آن است. بنابراین، پیشنهاد می شود در قالب حکمروایی منطقه ای چندسطحی بسترهای نهادی - قانونی تهیه و تنظیم شود.

منابع

- اینانلو، علی (۱۳۹۰). «بررسی نظام سلسله‌مراتبی شهرهای استان قزوین»، *رشد آموزش جغرافیا*، شماره پیاپی ۹۵، ص ۲۶-۳۱.
- بابایی، حمیدرضا؛ آتوسا آفاق‌پور؛ امین فرجی (۱۳۹۱). «تحلیل سازمان‌یابی فضایی و تحولات نظام شهرهای ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: استان قزوین)»، *مطالعات شهرهای اسلامی ایرانی*، د ۷، ش ۲۴.
- پوراحمد، احمد؛ رحمت‌اله فرهودی؛ کرامت‌اله زیاری؛ منصور سلیمانی؛ امین فرجی ملایی (۱۳۹۴). «بررسی الگوی توسعه متعادل منطقه‌ای با تأکید بر روابط شهر و روستا (مورد: منطقه قزوین)»، *فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران*، دوره جدید، س ۱۱، ش ۳۹.
- دادروان، اکبر (۱۳۸۲). «برنامه ریزی منطقه‌ای: بررسی و تحلیل منطقه شهری تبریز تدوین راهبردهای توسعه فضایی آن»، *مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۰۱ JSC، ص ۴۸ تا ۶۱.
- دلیل، سعید؛ ابوالفضل مشکینی؛ جعفر جوان (۱۳۹۸). «شهر - منطقه به مثابه بسط بافت شهری»، *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، د ۹، ش ۳۶، ص ۱ - ۱۵.
- شریف‌زادگان، محمدحسین؛ امیر فتحی فرزانه (۱۳۹۵). «تعیین محدوده فضایی شهر - منطقه برای کلان‌شهر تهران و نواحی پیرامونش»، *آمایش سرزمین*، د ۸، ش ۱، ص ۳۵ - ۵۵.
- شورمیج، رمضان‌علی؛ منصور بدری‌فر (۱۳۸۵). «بررسی و تحلیل سازمان فضایی شبکه شهری استان قزوین»، *سرزمین*، س ۳، ش ۱۰.
- صرافی، مظفر؛ ناصر عظیمی (۱۳۸۹). «بایستگی‌های احراز نقش فراملی برای کلان‌شهرهای ایران»، *فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، س ۵، ش ۳۱، ص ۱۴۸ - ۱۸۷.
- عباسی ورکی، الهام؛ مظفر صرافی؛ جمیله توکلی‌نیا؛ زیلا سجادی (۱۳۹۷ الف). «تبیین سازمان فضایی منطقه شهری قزوین با رویکرد نومنطقه‌گرایی»، *رساله دکتری، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
-
- _____ (۱۳۹۷ ب). «فراتحلیل کیفی از مقالات علمی ناظر بر شهر - منطقه»، *علوم زمین*، د ۹، ش ۴، شماره پیاپی ۳۶، ص ۲۰۱ - ۲۲۰.
- عبدی دانش‌پور، زهره (۱۳۹۰). *درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

کرسول، جان (۱۳۹۱). پویش کیفی و طرح پژوهش، مترجمان: حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، ویرایش دوم، تهران، صفار.

مرکز مطالعات شهرسازی و معماری (۱۳۸۸). *گزیده قوانین و مقررات مورد عمل وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.*

موسوی، میرنجم؛ امیر فتاحی فرزانه (۱۳۹۵). «ماهیت فضایی سرزمین‌های شهرمحور در برنامه‌ریزی منطقه‌ای چهار پدیده فضایی با نگاهی بر کلان‌شهر تهران»، *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، س ۶، شماره پایانی ۲۲، ص ۷۵ - ۸۸.

References

- Abbasi Varki, Elham;., Sarafi, Muzaffar;., Tavakolinia, Jamila;., & Sajjadi, Zhila Zh. (2017). "Explanation of the spatial organization of the Qazvin urban area with the approach of neo-regionalism", doctoral thesis, field of geography and urban planning, Shahid Beheshti University of Tehran. (in Persian).
- Abbasi Varki, Elham; Sarafi, Muzaffar; Tavakolinia, Jamila; Sajjadi, Jila----- (2017). "Qualitative meta-analysis of scientific articles on the city-region", *Journal of Earth Sciences*, Volume Vol. 9, Number No. 4 -, Serial Number 36, Pages pp. 201-220. (in Persian).
- Abdi Daneshpour, Zahra Z. (2011). *An introduction to planning theories with special emphasis on urban planning*, Tehran, Shahid Beheshti University Press. (in Persian).
- Ache, P. (2000). "Cities in Old Industrial Regions Between Local Innovative Milieu and Urban Governance—Reflections on City Region Governance", *European Planning Studies*, 8:(6), pp. 693-709.
- Amin, A. & Thriftn. (2002). *Cities: Reimagining the Urban.*, Polity/ Blackwell, Oxford.
- Amin, A. (2002). "Spatialities of globalization", *Environment and Planning A*, 34, pp. 385-399.
- Babaei, Hamidreza H.R., Afaqpour, Atusa., & Faraji, Amin A. (2011). "Analysis of spatial organization and changes in the system of Iranian-Islamic cities (case study; : Qazvin province)", *Iranian Islamic Cities Studies Quarterly*, Volume Vol. 7, Number No. 24. (in Persian).
- Bastie, J. (1980). *espace urban*, Ed Masson, Paris.
- Battail, G. (1997). *Theorie de l'information.*, Masson, Paris.
- Batten, D.F. (1995). "Network Cities: Creative Urban agglomerations for the 21st Century", *Urban Studies*, 32, pp. 313-327.
- Bourdeau-Lepage, L. & Huriot, J.M. (2004). "The Metropolis in Retrospect: Performance and Change", *GaWC Research Bulletin*, No. 140, Available online at: www.lboro.ac.uk/gawc/rb/rb140.html.
- Brillouin, L. (2004). *Science and information theory.*, Dover Publications, Mineola.
- Castano, P. (2000). *Regional grid planning*, chapter 21, in global city region.
- Center for Urban Planning and Architecture Studies (2008). *Excerpt of laws and*

- regulations implemented by the Ministry of Housing and Urban Development, first edition, Tehran. (in Persian).
- Cheshire, PC, . & Hay, DG. (1989). *Urban problems in Western Europe: an economic analysis*. , Unwin Hyman, London.
- Dadarvan, Akbar (2003). "Regional planning: investigation and analysis of the urban area of Tabriz and formulation of its spatial development strategies", *Housing and Village Environment*, ISC No. 101, pp. 48-61). (in Persian)
- Dalil, Saeed,., Mishkini, Abolfazl and., & Javan, Jafar J. (2018). "City-region as an extension of the urban fabric", *Journal of Geographical Studies of Arid Regions*, 9th VolumeVol., 36th NumberNo, Summer, pp. 1-15. (in Persian).
- Elton, C. (1927). *Tiergeographie auf logischer grundlage* .
- Forester, J. (1989). *Planning in the face of power*. , Berkeley: Univ. of California Press.
- George, P. (1952). *La Geographie Urban*, pp. 43-44.
- Graham, S. & Healey, P. (1999). "Relational concepts in time and space: issues for planning theory and practice", *European Planning Studies*, 7, pp. 623-646.
- Hall, P. & Hay, DG. (1980). *Growth centres in the European urban system*. , Heinemann, London.
- Hall, P. (2009). "Looking Backward, Looking Forward: The City Region of the Mid-21st Century", *Regional Studies*, Vol. 43, No. 6, pp. 803-817.
- Harvey, D. (2000). *Space of Hope*, university of California press Berkeley. CA.
- Healey, P. (2004). "The treatment of space and place in the new strategic spatial planning in Europe", *International Journal of Urban and Regional Research* 28, pp. 45-67.
- Healey, P. (2007). *Urban Complexity and Spatial Strategies: Towards a Relational Planning for Our Times*. , Routledge, London.
- Healey, P. (2009). "City Regions and Place Development", *Regional Studies*, 43: (6), pp. 831- 843.
- Henton, D. (2001). *Lessons from Silicon Valley: Governance in Global City- Regions in Alleng*. , Scott, global city- region: Trends, Theory, Policy, Oxford press.
<https://babel.hathitrust.org/cgi/pt?id=mdp.39015066420939&view=1up&seq=11>
- Huntington, E. (1915). *Climate and Civilization*.
- Hutchinson, G.E. (1957). "Concluding remarks". , *Cold Spring Harbor Symposium on Quantitative Biology*, 22: , pp. 415-427.
- Hutchison, R. (2009). *Encyclopedia of Urban Studies*, sage publication.
- Inanlu, Ali A. (2011). "Investigating the hierarchical system of the cities of Qazvin province", *The Growth Of Geography Education*, twenty-fifth session, number No. 4. (in Persian).
- Jones, M. & MacLeod, G. (2004). "Regional spaces, spaces of regionalism: Territory", *insurgent politics and the English question, Transactions of the Institute of British Geographers*, 29(4), pp. 433-452.
- Kersol, John J. (2012). *Qualitative survey and research design*, translators: Hasan Danai Danai-Fard and Hossein Kazemi. , The second edition. , Tehran, Safar Publishing House. (in Persian).
- Klaassen, LH., Boudrez, JA., & Vollmulle, J. (1981). *Transport and urbanization*. , Gower, Aldershot.

- Lefebvre, H. (1974). *The Production of Space*. , Oxford: , Blackwell Publishers.
- Marston, S. A. & Jones, III J. P. (2005). "Human geography without scale", *Transactions of the Institute of British Geographers*, 30, pp. 416-432.
- Massey, D. (2005). *For Space*. , Sage, London.
- Meijers, E. (2007). "Clones or complements? The division of labour between the main cities of the Randstad, the Flemish diamond and the RheinRuhr area", *Regional Studies*, 41, pp. 889-900.
- Miller, D. Y.(2002). *The Regional Governing of Metropolitan America*, west view press.
- Mousavi, MiranjafM.J, . & Fathi Farzaneh, Amir A. (2015). "Spatial nature of city-centered territories in regional planning, four spatial phenomena with a view on Tehran metropolis", *Regional Planning Quarterly*, Year 6, Number No. 22, Summer. pp. 75-88. (in Persian).
- Neuman, M. & Hull, A. (2009). "The Futures of the City Region", *Regional Studies*, 43:(6), pp. 777-787.
- Odum, H. (1983). *Systems ecology: an introduction*. , New York: , John Wiley & Sons.
- Organization for Economic Co-operation and Development. (2012). *Redefining urban: a new way to measure metropolitan areas*. , OECD Publishing, Paris.
- Parr, J. (2005). "Perspectives on the city-region",. *Regional Studies*, 39, pp: 555-566.
- Parr, J. (2007). "Spatial Definitions of the City: Four Perspectives",. *Urban Studies*, 44, pp: . 381-392.
- Parr, J. (2015a). "Overlooked Aspects of the von Thünen System", *Spatial Economic Analysis*, 10:4, 471-487, DOI: 10.1080/17421772.2015.1076577
- Parr, J----- (2015b). "The city and the region as contrasts in spatial organization", *Ann Reg Sci* , 54: , pp. 797-817.
- Pose –Rodriguez, A. (2008). "The rise of the city-region concept and its development policy implications", *European Planning Studies*, 16, pp. 1025-1046.
- Pour -Ahmad, Ahmad., Farhoudi, Rahmat Elah., Ziyari, Karamat Elah., Soleimani, MansourM., & Farji Melai. Amin A. (2015). "Examining the regional balanced development model, with emphasis on city-rural relations, case: Qazvin region", *International Quarterly of the Iranian Geographical Society*, new period, year 11, number No. 39. (in Persian).
- Ravetz, Joe J. (2020). *City-Region 2020: Integrated Planning for a Sustainable Environment*, 1st Edition.
- Sarafi, Mozaffar M. and & Azimi, Nasser N. (2009). "The importance of achieving a transnational role for Iranian metropolises", *Quarterly Journal of the Iranian Demographic Association*, 5th year, No. 31, pp. 148-381. (in Persian).
- Savitch, H. & Vogel, K. (2000). "Paths to New Regionalism (symposium editors)", *State And Local Government Review*, Vol. 32, N0No. 3., pp. 158-168.
- Sharifzadegan, Mohammad M.Hossein H. and & Fathi Farzaneh, Amir A. (2015). "Determining the spatial boundaries of the city-region for the metropolis of Tehran and its surrounding areas", *Amash Sarzemin magazine*, 8th cycle, 1st issue, spring and summer, pp. 35-55. (in Persian).
- Shurmij, Ramzan R.Ali., & Badrifar, Mansour M. (2015). "Investigation and analysis of the spatial organization of the urban network of Qazvin province", *The Quarterly Of The*

- Geography Of The Land*, the third year, number No. 10. (in Persian).
- Simin Davoudi, S. & Elizabeth Brooks, E. (2020). "City-regional imaginaries and politics of rescaling", *J Regional Studies*, Volume Vol. 55.
- Steiner, F. (2011). "Landscape ecological urbanism: Origins and trajectories", *Landscape and Urban Planning*, (100): , pp. 333-337.
- Turok, I. (2009). "Limits to the Mega-City Region: Conflicting Local and Regional Needs", *Regional Studies*, 43: (6), pp. 845 — 862.
- Van Den Berg, L., Drewett, R., Klaassen, LH., Rossi, A., & Vijverberg, CHT. (1982). *Urban Europe: a study in growth and decline*, Vol. 1. Pergamon Press, Oxford.
- Wren, C. (2009). "Onward the spatial: an essay on the nature and relevance of regional economics", *Spatial Economic Analysis*, 4 447-4.